مارکس، این بار بدون اسلحه!

نقد و نگری به شماره دهم فصلنامه سیاست‌نامه

مجله خوان

سید محسن موسوی زاده| انتخاب نام و تیتر و شروع مناسب، نقش بسیاری در ماندگاری آثار مکتوب دارد. چه‌بسیار آثار خوبی که به دلیل نبود همین ویژگی‌ها نتوانسته‌اند خوش بدرخشند. فصلنامه «سیاست‌نامه» از آن نشریاتی است که از نام آن به خوبی می توان به هویتش پی برد و متوجه شد که این نشریه چه اهدافی را برای خود انتخاب کرده است. در سنت اندیشه‌ورزی ایرانی -اسلامی ۳ سیره شریعت نویسی، سیاست نویسی و فلسفه‌نویسی وجود دارد. این رویکردها در طول تاریخ طرفداران خود را داشته است. شریعت‌نویسی همان طور که از نامش مشخص است، به دنبال پاسخ مسائل دینی است و بیشتر دغدغه فقاهت دارد، از این رو گفتمان شریعت‌نامه نویسان درون‌دینی است. فلسفه‌نویسی در جهان اسلامی به سده دوم اسلامی بازمی گردد، زمانی که نهضت ترجمه بخصوص ترجمه آثار متفکران یونانی رونق گرفته بود. اما سیاست‌نامه‌نویسی در میان این ۳ سنت رنگ و بوی ایرانی و اسلامی بیشتری دارد و ریشه آن به قرون میانی دوره اسلامی بازمی گردد، زمانی که اندیشمندانی مانند خواجه نظام‌الملک توسی به دنبال پایه‌گذاری روش زمامداری بودند. روشی که هم به سنت‌های حکومت‌داری پیش از اسلام نظر داشته و هم دغدغه دیانت داشته باشد. این مسئله باعث ایجاد سیاست نامه‌هایی شد که برجسته‌ترین آن سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک توسی است. به نظر می‌رسد مسئولان فصلنامه سیاست‌نامه با همین دغدغه این نام را برگزیده‌اند.

البته از زاویه‌ای دیگر نیز می توان به این نشریه نگریست. مروری بر افراد دست‌اندرکار فصلنامه سیاست نامه و وجود نام‌هایی مانند محمد قوچانی، دکتر احمد نقیب‌زاده و جواد طباطبایی به‌عنوان سیاست‌گذاران آن نشان می‌دهد جریانی که از اواسط دهه ۷۰ بیشتر نمود اجتماعی یافت و شرط رسیدن به توسعه را توجه به خصوصی‌سازی، کوچک‌سازی دولت، بازنگری در سیاست‌های رفاهی و بازتوزیع منابع کشور می‌دانست امروز در کنار جریان ایران‌شهری قرار گرفته است تا از این طریق بتواند خلأهای فکری ۲ دهه گذشته خود را پر کند. درواقع در ۲ دهه گذشته منتقدان این جریان، همواره عنوان‌هایی مانند لیبرال را با توجه به دغدغه‌های ایشان در حوزه آزادسازی اقتصادی به رقیب نسبت می‌دادند. حال به‌نظر می‌رسد این جریان با بهره بردن از جریان اندیشه ایران شهری درصدد است تا بر غنای تاریخی خود بیفزاید. با این حال این نشریه در طول انتشار خود یک «دیگری» نیز دارد و آن جریان‌های چپ اعم از اسلامی و غیراسلامی است. از همین روست که در چند شماره خود به بهانه‌هایی مانند سالگرد انقلاب اکتبر، چپ گرایی و جریان‌های چپ را مورد بررسی قرار داده است. براین اساس سیاست‌نامه در دهمین شماره خود که به مناسبت دویستمین سالروز تولد مارکس منتشر کرده، مقالاتی از تام باتامور، ارنست نولته، دیوید مک للان و موسی غنی‌نژاد به چاپ رسانده است. از جمله نکات شایان توجهی که در این شماره وجود دارد، چاپ مقاله‌ای از ارنست نولته است که معتقد است در شرایط سخت اقتصادی و ضعف طبقه متوسط، رادیکالیسم چپ و راست بیشتر تقویت می‌شود. چاپ مقدمه کتاب سیاه «کمونیسم: جنایات، وحشت، سرکوب» اثر استفان کورتوآ را که در آن سعی شده است تاریخ سرکوب‌ها، چه سیاسی و چه غیرنظامی، از سوی دولت‌های کمونیستی -از جمله نسل کشی‌ها، اعدام‌های فراقضایی، نفی بلدها، قحطی های مصنوعی- مستندسازی شود، در این شماره از سیاست‌نامه می‌توان در ادامه همان رویکرد فکری نشریه مهرنامه دانست، رویکردی که در پی نقد خط فکری جریان چپ است.

پیش از این، نشریه مهرنامه در شماره ۴۲ خود در تابستان ۱۳۹۴ پرونده‌ای را با عنوان «تروریسم افیون مارکسیسم» کار کرد. این نشریه بدون تفکیک قائل شدن بین نحله های مختلف مکتب تصویری از مارکس را که اسلحه به دست دارد برای نشریه خود انتخاب کرده بود که همان زمان با واکنش محافل دانشگاهی مواجه شد. یکی از اصلی‌ترین انتقادات به شماره ۴۲ مهرنامه این بود که این نشریه بین مارکسیسم روسی، چینی و کوبایی تفکیکی قائل نشد و همچنین تاثیر این نحله‌ها را بر تحولات دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی یک کاسه کرده بود.

تفاوت شماره جدید نشریه «سیاست نامه» با «مهرنامه» این است که این‌بار سیاست‌گذاران واحد هر دو نشریه اسلحه را از دست مارکس گرفته‌اند. آن‌ها تصویری از مارکس را روی جلد نشریه خود کار کرده‌اند که اسطوره چپ‌ها را در حال نشستن به نمایش گذاشته است.

به نظر می‌رسد همین نقد بر شماره جدید سیاست‌نامه وارد باشد، زیرا که اگر مانند مهرنامه به دنبال نقد جریاناتی است که در میانه دهه ۴۰ در ایران، با انتخاب اندیشه چپ، راه رادیکال شدن را انتخاب کردند، شاید بهتر بود بیشتر اندیشه‌های مائوئیستی را نقد و بررسی می کرد؛ هرچند این اندیشه اکنون طرفداران چندانی ندارد. با این همه نشریه سیاست نامه به دلیل بهره جویی از قلم اندیشمندان شناخته شده در ایران، نشریه ای قوی است که به جرئت می توان مدعی شد ارزشی در حد یک کتاب علمی دارد.

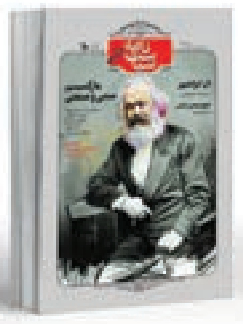

آنجا که «برای» زائد است

کارگاه درست نویسی

حسین جاوید| هر گاه مشغول ترجمه بودید و از «برای» پیش از کلمات و عباراتی استفاده کردید که دلالت بر زمان دارند، لختی تأمل کنید و «برای» را از جمله حذف کنید. خیلی وقت‌ها، این «برای» ضرورتی ندارد و حذف آن جمله را روان‌تر می‌کند.

مثال نادرست:
- برای مدتی منتظر ماندم.
- برای چند دقیقه به او خیره شد.
- برای یک ماه به سفر رفت.

مثال درست:
- مدتی منتظر ماندم.
- چند دقیقه به او خیره شد.
- یک ماه به سفر رفت.

نگاره

مجموعه شعر «بی لهجه گریه کن» سروده محسن قریب با حضور برخی مسئولان شهر مشهد از جمله تنی چند از اعضای شورای اسلامی شهر در هتل آبان برگزار شد.

مجید عمیق، نویسنده کودک و نوجوان:

اگر ما از تهاجم فرهنگی صحبت می‌کنیم، مشکل از ماست. بدون شک زمانی که ما کار درست را عرضه کنیم، تهاجم فرهنگی به حاشیه رانده می‌شود. ما خودمان کار خوب تولید نمی‌کنیم و از طرفی فریادمان هم بلند می‌شود.

بهار کتاب برای بهارستانی‌ها

① فرصتی کم مانند برای اینکه نمایندگان مجلس فارغ از همه گرفتاری‌هایشان سری هم به کتاب بزنند؛ بنا به گزارشی که تابناک پارسال بر پایه یک پژوهش منتشر کرده بود «از میان حدود ۲۰ نماینده مجلس تنها ۲ نفر کتاب می‌خواندند و از قیمت کتاب هم تقریبا هیچ یک از ۲۰ نماینده اطلاع چندانی نداشت.» حالا اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی تصمیم دارد برخی از نمایندگانی را که از خراسان رضوی به بهارستان رفته‌اند به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی کتاب‌خوان کند. هرچند که این برنامه با هدف رشد و توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی در استان و در فضای جامعه برگزار می‌شود امید است نمایندگان مجلس هم نگاهی به قیمت کتاب‌هایی که امروز برای مطالعه دستشان می گیرند بیندازند و فکری به‌حال رفع گرانی‌اش بکنند. در این مراسم کتاب‌خوانی به روی همه علاقه‌مندان کتاب باز است و می‌توانند امروز ساعت ۸:۳۰ به مجتمع آفتاب ولایت واقع در خیابان آیتا... بهجت، بین بهجت ۲۳ و ۲۵ مراجعه کنند.

② امروز هفتمین نشست از سلسله نشست‌های مطالعات اسلامی و علوم انسانی دفتر تبلیغات برگزار می‌شود و استادان، طلاب و دانشجویان می‌توانند در این جلسه شرکت کنند. در این نشست تخصصی دکتر حمید پارسانیا، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم، چالش‌ها و ظرفیت‌های پیش روی مناسبات اسلام و مسائل علوم اجتماعی را بررسی خواهد کرد. علاقه‌مندان می‌توانند امروز ساعت ۱۴:۳۰ درسالن اجتماعات دفتر تبلیغات اسلامی واقع در چهارراه خسروی نو، نبش خیابان آیتا... طبسی حضور یابند.

ادبیات ایران بدون تبلیغ هم حیرت انگیز است

مسائل ترجمه ادبیات ایران به زبان فرانسوی در گفت و گو با دکتر میترا فرزاد

گفت‌وگو

وحید حسینی ایرانی| درباره ترجمه ادبی از زبان‌های دیگر به زبان فارسی سخن بسیار گفته و نوشته شده است و این سال‌های اخیر تعداد مترجمان افزایش چشمگیری داشته است. اما وقتی بحث برگرداندن از فارسی به سایر زبان‌ها به میان می‌آید، ماجرا فرق می کند. زیاد نیستند کسانی که در این عرصه قلم بزنند و شاید همین یکی از عوامل معرفی نشدن بایسته ادبیات ایران در سطح جهان باشد.

بااین‌همه گاه دوستداران زبان و ادبیات فارسی به ویژه ایرانی‌های مقیم دیگر کشورها گام‌هایی در این راه برمی‌دارند. دکتر میترا فرزاد یکی از همین مترجمان است که بابرگرداندن چندعنوان اثرادبی از اهل قلم زادگاهش کوشیده است خلأ یادشده را تا اندازه‌ای پر کند. او در تهران از خانواده‌ای اصالتا شمالی به دنیا آمد و به قول خودش «۱۶ سال و نیم» داشته است که از ایران مهاجرت می‌کند.

در تهران در مدرسه‌هایی چون ژاندارک زبان فرانسوی را می‌آموزد و دیپلم می‌گیرد و در ادامه راهی انگلستان می‌شود؛ مدتی هم در آمریکا اقامت می‌گزیند و سپس به فرانسه می‌رود. میترا فرزاد تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته‌های ریاضی و رایانه و اقتصاد دنبال می‌کند و سرانجام به رشته موردعلاقه‌اش ادبیات روی می‌آورد و از دانشگاه سوربن جدید دکتری ادبیات انگلیسی می‌گیرد.

او کارمند پلی‌تکنیک است و در دانشکده مهندسی دانشگاه تخصصی علوم پاریس نیز تدریس می‌کند. این مترجم ایرانی به ۲ زبان فرانسوی و انگلیسی مسلط است و تاکنون آثاری از هوشنگ مرادی کرمانی، محمدعلی موحد، شادروان افشین یداللهی و... را به فرانسوی‌زبانان معرفی کرده است. این گفت‌وگو مدتی پیش در جریان سفر وی به مشهد و در هتل محل اقامتش گرفته شده است. دکتر فرزاد تا اندازه‌ای لهجه دارد اما درعین‌حال تعلقش به ایران و زبان و ادبیات فارسی سبب شده است اشعار بسیاری از ادبیات کهن ما ازبر داشته باشد. در متن مصاحبه توضیحات درون پرانتز و قلاب از مصاحبه‌کننده است.

● از چه سالی شروع به ترجمه کردید؟

فکر می‌کنم سال ۹۷ یا ۹۸ [میلادی] بود. یکی از اقوام، سیروس علی‌نژاد که خبرنگار است، کتابی از آقای عباس معروفی را به من معرفی کرد و خواست که آن را ترجمه کنم. من کار را شروع کردم اما بعد با آقای معروفی به اختلاف خوردم و آن را کنار گذاشتم. در پاریس هم رضا قاسمی را می‌شناختم. او صمیمانه از من خواست یکی از کتاب‌هایش را ترجمه کنم. این کار را به فرانسوی برگرداندم اما به‌دلیل وسواس و انتظار ایشان که برآورده نشد هرگز به چاپ نرسید. بعد با آقای شحنه‌تبار [ناشر ایرانی-انگلیسی] آشنا شدم. ایشان که ترجمه‌ام از آن کار چاپ نشده را خوانده بودند از آن تعریف کردند و خواستند برایشان ترجمه کنم. اولین کتابی که ترجمه کردم «روزشمار یک عشق» شعرهای مرحوم افشین یداللهی بود که حدود ۴ ایشان به‌فرانسوی برگرداندم.

● چقدر در زمینه ادبیات فارسی مطالعه دارید؟

در حوزه ادبیات کلاسیک بیشتر شعر خوانده‌ام. در زمینه رمان‌های جدید هم تا چهارپنج سال پیش که مشکلات پست و ارسال کتاب از ایران کمتر بود تقریبا به‌روز بودم. پدرم که در سیزده سالگی من فوت کرد، شب‌ها ما بچه‌ها را با داستان‌های شاهنامه می‌خواباند. داستان‌هایی چون دیو سپید واکوان دیو و گرز نُه‌منی رستم و... را تعریف می‌کرد. خودم هم شعر می‌خواندم و خیلی از شعرهای بزرگان مثل فردوسی و حافظ و عطار و... را از برم. نمی‌توان ایرانی بود و شعر بزرگان ایران را ندانست. برای حفظ زبان فارسی‌ام خیلی تلاش می‌کنم، البته فارسی من از برخی اصطلاحات امروزی‌ها خیلی دور است، مثلا امروز می‌گویند «چه خفن!» من این‌ها را -که فکر می‌کنم مربوط به جوان‌هاست- به‌هیچ‌وجه بلد نیستم.

● ملاک شما در انتخاب آثار ادبی فارسی برای ترجمه به‌زبان فرانسوی چیست؟

ناشر پیشنهادمی کند ولی کتابی که ترجمه می‌کنم باید خیلی معنی‌دار و دارای محتوایی عمیق باشد. برای ترجمه «شما که غریبه نیستید» از هوشنگ مرادی کرمانی تمام آثار این نویسنده را خواندم تا با فضای آن آشنا شوم. همچنین در تعاملی که با ایشان داشتم، خودشان ترجمه «بچه‌های قالیباف‌خانه» را پیشنهاد دادند. زبان آقای مرادی ساده‌است و خیلی اپتومیست (خوشبین) هستند. با تمام رنج و دردی که در کتاب «شما که غریبه نیستید» وجود دارد یک‌لحظه نیست که شما بگویید خسته شدم و دیگر نمی‌خوانم. این به‌خاطر شور زندگی‌ای است که در راوی و نویسنده کتاب هست و خوداثر هم خیلی لطیف و عاطفی است و با سلیقه فرنگی‌ها هم جور درمی‌آید.

● عنصر ماجرا و تعلیق اثری که می‌خواهید ترجمه کنید چقدر برایتان مهم است؟

من عاشق ساسپنس (تعلیق) هستم. یک رمان با حال و هوای اسطوره‌ای که اخیرا ترجمه کردم از این نظر برایم خیلی جالب بود. از طرفی این کار مانند خیلی دیگر از آثار ایرانی به شما اجازه نمی‌دهد درباره آدم‌ها قضاوت کنید؛ در این داستان‌ها شخصیت‌های مختلف بی‌طرفانه ارائه می‌شوند، این ویژگی که در سینمای ایران هم دیده می‌شود خیلی مثبت است. برای من تماشای فیلمی مثل «ابد و یک روز» که در آن، همه آدم‌ها، حتی پسرک معتاد فیلم، حق داشتند یا «لانتوری» که درباره شخصیت روانی فیلم هم نمی‌شد داوری کرد خیلی جذاب بود. این درست برخلاف فیلم‌های آمریکایی است که همیشه باید شخصیت خوب برنده شود و شخصیت بد ببازد؛ آخرش هم باید تماشاچی کف بزند و فکر می کنی الان است که سرود ملی آمریکا پخش شود!

● این قضاوت نکردن و حق داشتن همه آدم‌ها رویکردی است که در آثار مدرن ادبیات داستانی و سینمای اروپا، محل زندگی شما، نیز پررنگ است.

اروپایی‌ها فرق می‌کنند. منظور من بیشتر آمریکایی‌ها بودند که برایشان جایگاهی والا قائلیم، در حالی که واقعا آن‌ها بهتر از ما نیستند. پیشرفتی که در چند سال اخیر سینمای ایران داشته‌واقعانفسگیراست. درفرانسه نیز نویسنده‌ها و فیلم‌سازهای ایرانی هستند که کارشان خیلی خوب است. ما در رمان‌نویسی پیشرفت خیلی زیادی داشته‌ایم. بحث اختلاف فرهنگی هم هست. مثلا در فرهنگ ما قهرمان احترام زیادی دارد و به فرض در نبرد رستم و سهراب این رستم است که باید پیروز شود و فرزندش را بکشد. در فرهنگ غرب برعکس است، آن‌ها ادیپ را دارند که پدرش را می‌کشد. فلسفه شرق خیلی با فلسفه غرب متفاوت است؛ ما به لحاظ علمی آدم‌هایی کلکتیویست (طرفدار اصالت جامعه) هستیم و جمعی با هم زندگی می‌کنیم در حالی که آن‌ها خودشان برای خودشان مهم‌اند.

● به نظرتان ادبیات داستانی ایران در برابر اروپایی‌ها حرفی برای گفتن دارد؟

با وجود برخی محدودیت‌ها این شاهکار نویسندگان ایرانی است که می‌توانند این همه داستان بنویسند و این همه مسائل متنوع را مطرح کنند. ادبیات ایران کم‌کم دارد جهانی می‌شود که یک دلیلش انعکاس جغرافیای ویژه اینجاست. مثلا شما در مشهد قله‌هایی مانند فردوسی و اخوان ثالث را دارید که شعرشان به کوه می‌ماند، صلابت دارد، و این ناشی از جغرافیای اینجاست، یا تمام آثار مرادی کرمانی از کویر نشئت می‌گیرد. ادبیات ایران ادبیات زمانه است و ماندگار، تنها برای یک ایرانی آفریده نشده‌است بلکه مسائل و مشکلات آدم‌ها را می‌بینند. من کارهایی را که ترجمه می‌کنم پیش از ویراستاری به دوستان فرانسوی‌ام می‌دهم که بخوانند؛ آن‌ها همگی از خواندن این آثار ادبیات ما متعجب و متحیر می‌مانند و کیف می‌کنند؛ درحالی که پشت این کتاب‌ها تبلیغاتی نبوده است و چنان‌که باید پخش نشده‌اند.

● آیا در ترجمه آثار ایرانی به این هم فکر می‌کنید که زیبایی‌های ایران و فرهنگش را به غربی‌ها معرفی کنید؟

سعی می‌کنم در نهایت وفاداری به متن آن را زیبا ارائه دهم. ولی در ارائه کتاب آدم می‌تواند از زیبایی‌های ایران صحبت کند، مثلا در امر بازاریابی، اینکه وقتی کتابی به کسی می‌دهید به‌او بگویید که‌این‌اثر از کجاآمده و چه خاستگاهی دارد. درضمن ما واقعا آدم‌های خوبی هستیم و نیازی به تبلیغ نداریم. هرجور که نگاه می‌کنم هیچ چیزی کمتر از دیگران نداریم. به نظر من الان هم مردم غرب مردم ما را جدا کرده‌اند از چیزهایی که دلیلش تبلیغات منفی علیه ایرانی‌ها بود. من این شانس را دارم که در محیطی دانشگاهی کار می‌کنم و با آدم‌هایی بافرهنگ همکارم که خیلی‌هایشان به ایران سفر کرده‌اند و از این سفر حظ کرده‌اند. آن‌ها از چاپخانه‌های کرمان یا بناهای تاریخی یزد خیلی تعریف می‌کنند. ایران خیلی جاهای دیدنی دارد به اضافه اینکه سه برابر فرانسه است و آب و هوای مختلف و متنوعی دارد؛ از هوای مدیترانه‌ای تا خشک، و از کویر تا کوه.

● از ادبیات کلاسیک ایران هم ترجمه کرده‌اید؟

نه، به نظرم برخی چیزها ترجمه‌ناپذیرند؛ مثلا شعر مولانا در ترجمه نیاز به توضیح دارد و نمی‌توان در فرانسوی گفت: یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا. نمی‌توان این را ترجمه کرد، چون پس این واژه‌ها فلسفه‌ای است که باید مخاطب غربی را با آن آشنا کرد. یا برای نمونه زمانی خیلی دلم می‌خواست کتاب «خط سوم» ناصرالدین صاحب‌الزمانی را ترجمه کنم. نام این کتاب به سخنی از شمس تبریزی اشاره دارد: «...آن خطاط سه‌گونه خط نوشتی: یکی او خواندی، لاغیر... یکی را هم او خواندی هم غیر او... یکی نه او خواندی نه غیر او. آن خط سوم منم که سخن گویم. نه من دانم، نه غیر من.»

۵۲طرح المان نوروزی۹۸ انتخاب شدند

① هیئت داوران و دبیران دومین جشنواره هنرهای شهری مشهد، خانه بهار ۹۸، متشکل از طاهر شیخ‌الحکمایی، سیدمجتبی موسوی، مجید ملانوروزی و مجتبی آقایی، از میان ۶۶۴طرح رسیده به جشنواره خانه بهار از ۲۰۰هنرمند، درنهایت ۵۲طرح المان از ۴۲هنرمند را به‌منظور جانمایی در مشهد برای نوروز ۹۸ انتخاب کردند. این جشنواره در بخش‌های هنرهای تجسمی، چندرسانه‌ای، طراحی منظر، هنرهای نمایشی، گل آرایی، پژوهش‌های هنر شهری، عکس خانه بهار و بین‌الملل در دست برگزاری است.

② جدول کامل برنامه‌های سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر در بخش‌های مختلف، هفته آینده منتشر می‌شود، این درحالی است که تاکنون نام برخی گروه‌ها و هنرمندان شرکت‌کننده کشورمان مشخص شده‌است. به‌گزارش مهر، هفته آینده قرار است علاوه‌بر انتشار جدول، از پوستر سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر نیز رونمایی شود تا علاوه‌بر موسیقی‌دان‌های پایتخت‌نشین، اسامی اهالی موسیقی شهرستان‌ها که در این رویدادِ رقابتی اجرای صحنه‌ای خواهند کرد، مشخص شود. سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر ۹۷ به دبیری شاهین فرهت، از ۲۴ تا ۳۰بهمن در تهران برگزار می‌شود.

③ نمایشگاه گروهی نقاشی «درمحدوده کوچک» در نگارخانه ارغوان افتتاح می‌شود. در این نمایشگاه گروهی که شنبه، ۲۹دی افتتاح می‌شود و تا پنجشنبه ۴بهمن، هر روز از ساعت ۱۷ تا ۲۰ پذیرای علاقه‌مندان به هنر نقاشی است، آثار ۲۸نقاش جوان مشهدی به نمایش گذاشته خواهد شد. نگارخانه و آموزشگاه ارغوان در بولوار سجاد، بین سجاد۲ و ۴، پلاک۸۶ واقع است.

تئاترشهر در بوته نقد

در گفت‌وگو با عوامل نمایش «خدای جنگ» مطرح شد

گفت‌وگو

مریم قاسمی| سومین شب اجرای نمایش «خدای جنگ»، همچون شب‌های گذشته با سالن پر از تماشاگر اجرای خود را شروع کرد، به‌گونه‌ای که پیش از شروع نمایش، خرید بلیت ازطریق سایت مشهدگیشه متوقف شده و همه صندلی‌ها فروش رفته بود. با بهترین زاویه‌ای که از قاب صحنه داشتیم، تا توانستیم از جلوه‌های ویژه بصری این نمایش بهره بردیم. از همان ابتدا که صحنه زیر نورهای رنگی روشن شد تا اجرای حرکات فرم و فیزیکال که به‌دقت طراحی شده بودند، بازسازی برخی صحنه‌های فیلم‌های کلاسیک عاشقانه و همچنین اجرای زنده آواز و اپرا و موسیقی زنده، باعث شده بود لحظاتی حس کنیم در سینما نشسته‌ایم و فیلم وسترن آمریکایی تماشا می‌کنیم.

«خدای جنگ» به‌عنوان نمایشی فیزیکال که گروه فرم و موسیقی، عناصر مهم آن را تشکیل می‌دهند، گونه‌ای از نمایش موزیکال است که در آن، زبان تصویر و بدن از اهمیت بیشتری برخوردار است، به‌گونه‌ای که در این نمایش بازیگران فشار زیادی را برای بازی کردن متحمل نمی‌شوند و دیالوگ‌های آن‌ها که ازطریق میکروفن در سالن پخش می‌شود، فضایی سینمایی به کار داده‌است.

فارغ از جاذبه‌های بصری و دیالوگ‌های طنز، در این اثر نمایشی به برخی موضوعات و رفتارهای اجتماعی مردم اشاره شده است که درنهایت در ذهن مخاطب، سوال ایجاد می‌کرد و ذهن او را برای لحظاتی درگیر؛ مثلا اینکه چگونه مردم می‌توانند با توجه یک نفر یا بی‌توجهی او درمقابل برخی اتفاقات، آن فرد را بزرگ و خودشان، او را نابود کنند. درکنار این‌ها ارتباط برقرار کردن بازیگران با تماشاگر ازطریق راه رفتن دربین تماشاچیان، سوال کردن و برقراری دیالوگ با آن‌ها، از دیگر ویژگی‌های این نمایش به سبک برشت است که دربین خنده و گاه قهقهه تماشاچیان، لحظات پر از سکوتی را نیز بر سالن حکمفرما می‌کند و همه این‌ها باعث می‌شود نمایش دوساعته خدای جنگ، خیلی‌ها را خسته نکند.

● بازیگر جوان در نقشی پخته

تیتوس، قهرمان شکست‌خورده «خدای جنگ»، جوانی لاغراندام است که درجه‌های ریز و درشت نظامی از لباسش آویزان شده است؛ کسی که به‌خاطر خدایان، فرزندانش را قربانی می‌کند و با تنهادخترش، رفتار پدرانه‌ای ندارد. وحید عباسی، بازیگر این نقش است که وقتی بعد از تمام شدن نمایش و بدون گریم و لباس با او روبه‌رو می‌شویم، تعجب می‌کنیم که چطور توانسته است نقش یک مرد باتجربه و پخته قدرتمند را بازی کند.

عباسی می‌گوید: برای من نقش سختی بود اما در تمرینات و با صحبت‌های فراوانی که با کارگردان کردم، توانستم به این کاراکتر نزدیک شوم. او می‌گوید در این اجراها، نقشش هر شب پخته‌تر می‌شود؛ چراکه هنگام اجرا همه عوامل و عناصر کنار هم قرار می‌گیرند و تماشاگر هم که خودش در این‌گونه نمایش‌ها عنصر مهمی است، به این پختگی کمک می‌کند.

● قدرت ترسو

ساتورنین نقش مقابل تیتوس است؛ پسر بزرگ‌تر امپراتور. او دنبال این است که به شکل موروثی به قدرت برسد. او جلوی «سنا» می‌ایستد و به هدفش می‌رسد. ساتورنین شخصیت متزلزلی دارد که اعتمادبه‌نفس اندک و پرخاشگری در آن به‌خوبی دیده می‌شود. این شخصیت به‌خاطر سرکوب‌گری‌های خانواده‌اش، شکل گرفته و به‌طورکلی از او آدم ترسویی ساخته است؛ هرچند سعی می‌کند خودش را قوی نشان دهد. تقابل ساتورنین با تیتوس به‌عنوان شخصیت قوی داستان و آدم محکم و بااراده‌ای که همه مردم دوستش دارند، برگرفته از حسادت‌های اوست.

مسعود نیکزاد، بازیگر این نقش، ساتورنین را شخصیت جالبی معرفی می‌کند و می‌گوید: «در نمایشنامه اصلی تیتوس شکسپیر این شخصیت به‌خاطر عقده‌های درونی خودش این تقابل‌ها را ایجاد می‌کند. خدای جنگ هم به‌عنوان نمایشی الهام‌گرفته از اثر شکسپیر، درون‌مایه این شخصیت را بر همین اساس شکل داده است.» به‌گفته نیکزاد، خواسته کارگردان این بوده است که برون‌ریزی این شخصیت در نمایش بیشتر باشد که به‌نظر من موفق بوده است.

● لاوانیای پرچالش

«لاوانیا» دختر تیتوس است که از بی‌مهری پدر به خود رنج می‌برد و داستان عاشقانه نمایش نیز با بازی او شکل می‌گیرد. نقش لاوانیا را احسان نگهبان بازی می‌کند که سختی کارش را نیز همین بازی کردن در جنس مخالف می‌داند: «انتقال حس، تنها با بدن آن هم بدون دیالوگ، سختی زیادی داشت و من هفت ماه تمرین کردم تا به لاوانیای امشب رسیدم.» نگهبان می‌گوید چالش‌های زیادی با نقش داشته است و حتی درگیری‌هایی با شخصیت برایش به‌وجود آمده، اما درنهایت موفق شده است همه چینش‌ها را کنار هم بگذارد و به شخصیت نزدیک شود.

● مثل سفر

دلقک با گریم غلوشده و شوخی‌های مخصوص به خودش چیزی شبیه به «سیاه» خودمان است که همه‌چیز را می‌فهمد. از اتفاقات باخبر است، اما قدرت اجرایی ندارد و فقط برایمان روایت می‌کند؛ همچنان که دلقک خدای جنگ، گاه روایت‌های تاثیرگذاری برای تماشاگر خلق کرد. تارخ اردشیری، بازیگر نقش دلقک در خدای جنگ، که کار تئاتر را از سال ۸۷ شروع کرده و در کارنامه کاری‌اش فضاهای متفاوتی را تجربه کرده است، خدای جنگ را جزو ۵کار متفاوت خود در طول این سال‌ها معرفی می‌کند: «همکاری با امین رضایی برای من مثل سفر بود؛ همچنان که کار با هر کارگردان، فضای متفاوت خودش را دارد و من سعی می‌کنم خودم را با هر فضایی تطبیق بدهم.»

به نظر اردشیری، امین رضایی به‌طورکلی تئاتر را بزرگ می‌بیند. دکورها را مفصل و صحنه را پربازیگر خلق می‌کند و این تجربه متفاوتی برای او بوده است.

● مشهد، در مسیر نمایش‌های بلک‌باکسی

در پایان کار و وقتی تقریبا همه بازیگران لباس عوض کرده و رفته‌اند، با امین رضایی، کارگردان و حسین مؤمنیان، سرمایه‌گذار کار، گپ کوتاهی می‌زنیم. رضایی ترجیح می‌دهد از ضعف‌های سالن بگوید و ۵۰پروژکتوری که فقط ۴عدد آن‌ها قابل استفاده است: «من نباید برای اجرای خودم مجبور بشوم بروم پروژکتور بگیرم یا از سرمایه‌گذارم بخواهم که لامپ بخرد. درواقع هزینه‌های جاری که در هر اجرا به هزینه‌های ما اضافه می‌شود، کارمان را سخت و دستمان را تنگ‌تر می‌کند. کرایه نور رنگی و سیستم صوتی، کلی هزینه دارد و درنهایت شاید مخاطب از نمایش راضی باشد و بخندد اما باور کنید چیزی برای گروه نمی‌ماند.»

رضایی ادامه می‌دهد: متاسفانه مسئولان قبل از اجرا قول‌هایی می‌دهند اما تا حالا اصلا جوابمان را نداده‌اند. به گفته او، همین عوامل باعث شده است مشهد به‌سمت نمایش‌های کم‌حجم و کم‌بازیگر و بدون دکور و بلک‌باکسی برود، درحالی‌که به نظر او در تئاتر، مخاطب باید با یک حادثه روبه‌رو شود و ذوق کند و همه این‌ها نیاز به امکانات دارد.

● ریسک سرمایه‌گذاری

حسین مؤمنیان، تهیه‌کننده کار، نیز که اولین کار پرحجمش را سرمایه‌گذاری کرده است، فعلا از این کار تعریفی به‌جز ریسک کردن ندارد و منتظر است ببیند نتیجه کار چه می‌شود تا ادامه مسیرش مشخص شود. مؤمنیان که علاوه‌بر سرمایه‌گذاری کار، نقش پسر سرکش تیتوس را هم بازی کرده است، فعلا از استقبال مخاطب رضایت دارد و امیدوار است که ضرر و زیانی در کار وجود نداشته باشد تا بتواند فعالیت حرفه‌ای‌اش را به‌عنوان سرمایه‌گذار، ادامه بدهد.

درشرایطی که همه درهای سالن بسته شده است، از پشت‌صحنه خارج می‌شویم، جایی که اسباب‌واثاثیه عوامل نمایش، دوطرف راهرو روی‌هم تلنبار شده است و حتی رگالی برای آویزان کردن لباس‌ها وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد این راهروی باریک، همه نداشته‌های پنهان سالن اصلی تئاتر شهر را نمایان می‌سازد.

نماشهر

داود بهگام | شهرآرا

خدای جنگ

نمایش موزیکال «خدای جنگ» به کارگردانی امین رضایی این شب‌ها در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه رفته‌است.

۶ جایزه؛ سهم مشهد

تسنیم به ایستگاه پایانی رسید

گزارش روز

نگار راد| سه‌شنبه‌شب سومین دوره جشنواره ملی فیلم و عکس تسنیم در سینمااطلس مشهد با برگزاری اختتامیه و معرفی برگزیدگان این دوره به کار خود پایان داد. این جشنواره که از شنبه ۲۲دی آغاز به کار کرده بود، در طول دوران برگزاری علاوه‌بر اکران فیلم‌ها و برگزاری نمایشگاه عکس، با برپایی چندین کارگاه مختلف، میزبان علاقه‌مندان بود.

● جشنواره‌ای رضایت‌بخش

انجمن سینمای جوان را باید بانی اصلی برگزاری جشنواره فیلم «تسنیم» دانست، از این‌رو سید صادق موسوی، مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره انجمن سینمایی جوانان ایران، در مراسم اختتامیه حاضر شد و چند کلامی با هنرمندان صحبت کرد.

او در ابتدای صحبت‌هایش، انجمن سینمای جوان را یکی از بانیان برگزاری جشنواره تسنیم درکنار اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی دانست و از کمک‌های این اداره برای برگزاری هرچه بهتر سومین دوره این جشنواره تشکر کرد. به گفته موسوی، در این دوره نزدیک به ۵۰۰فیلم در گونه‌های مختلف داستانی، تجربی، مستند و پویانمایی به دفتر جشنواره رسید که کیفیت رضایت‌بخش آن‌ها باعث شده بود داوران تقاضا کنند دوبرابر حجم آثاری که در جشنواره پذیرفته شده بود، در جدول جشنواره قرار گیرد که متاسفانه ظرفیت جشنواره اجازه این کار را نداد.

● ظرفیت «تسنیم» برای تبدیل شدن به رویداد بین‌المللی

بخش دیگر اختتامیه جشنواره تسنیم به صحبت‌های جعفر مروارید، مدیرکل اداره ارشاد خراسان رضوی، اختصاص یافت. مروارید در صحبت‌هایش به رویکرد جوان‌گرایی در جشنواره تسنیم اشاره کرد: «مفتخر هستیم که در جوار بارگاه حضرت ثامن‌الحجج، علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، جشنواره‌ای را با نگاه جوان و با رویکرد جوان‌گرایی برگزار کردیم که یک نمونه از سبک زندگی ایرانی‌اسلامی بود.»

او در بخش دیگر صحبت‌هایش درباره این جشنواره توضیح داد: عنوان جشنواره «تسنیم» به بستری از معارف اسلامی و قرآنی که در فضای ایران به نمو و رشد رسیده است، اشاره می‌کند؛ اسلامی که در ایران، فرهنگی را تولید کرد که در مسیر خود، هنر و رسانه را پیش برد. به این ترتیب ما اکنون می‌توانیم با زبانی زیبا و بیانی معقول از معارف الهی، اخلاق و کرامت اخلاقی و از جامعه‌ای سازمان‌مند و باثبات سخن بگوییم.

مروارید استقبال از جشنواره امسال را فراتر از حد انتظار دانست و ابراز امیدواری کرد کرد دوره بعدی این جشنواره در سطح بین‌المللی برگزار شود.

● جوایز «تسنیم»

در ادامه این مراسم، نوبت به تقدیر از برگزیدگان سومین دوره جشنواره تسنیم رسید. بر این اساس، در بخش بهترین پژوهش در فیلم مستند، لوح افتخار به آبتین حسینی از تهران برای فیلم «مرز مه‌آلود» رسید. در بخش فیلم‌نامه دو فیلم‌نامه «شهرک خصوصی» و «برادر» شایسته تقدیر دانسته شدند. تندیس بخش تصویربرداری به عارف نامور برای فیلم تجربی «زندگی لزج» از قزوین رسید. مجتبی اسماعیل‌زاده نیز در بخش تدوین برای فیلم «موج کوتاه» از تهران، لوح افتخار را از آن خود کرد.

در بخش صدا، آرش برومند برای «شهرک خصوصی» و حسین قورچیان برای فیلم «موج کوتاه» شایسته تقدیر شدند و جایزه بخش پویانمایی نیز به حسین ملایی از تهران برای فیلم «بدو رستم، بدو» رسید.

اما در بخش بهترین مستند، اولین جایزه برای شهر مشهد را فرهاد بهبهانی برای فیلم «پرنده آزادی» به ارمغان آورد. بهبهانی دیپلم افتخار بهترین مستند را از آن خود کرد و تندیس جشنواره به صادق سوری برای فیلم «خانم ف» رسید.

بخش بعدی که برگزیده‌اش اعلام شد، بهترین فیلم تجربی بود. محمدمهدی رسولی از تهران برای فیلم «کپسول»، جایزه این بخش را از آن خود کرد.

در ادامه، برگزیده بخش بهترین فیلم داستانی اعلام شد که تندیس آن به جمیل عامل‌صادقی از مشهد برای فیلم «جایی برای آرامش» رسید. تندیس کارگردانی هم مشترکا نصیب کاظم دانشی برای فیلم «راحانا» و علی خوش‌دونی‌فراهانی برای فیلم «تکلیف» شد. لوح بهترین فیلم در بخش نماز و نیایش و بخش ادیان به‌ترتیب به فیلم «تکلیف» از تهران و «ربای» به کارگردانی مجتبی احسانی از مشهد اختصاص پیدا کرد. جایره بزرگ جشنواره نیز ازمیان ۶کاندیدا به فیلم «مرز مه‌آلود» اثر آبتین حسینی رسید.

در بخش فیلم‌نامه که به‌طور جدا از فیلم‌نامه‌های فیلم‌های اکران‌شده برای جشنواره تسنیم درنظر گرفته شده بود، ۶هنرمند جوایزی را دریافت کردند که درمیان آن‌ها نام حسام سامری‌زاده از مشهد برای فیلم‌نامه «بغض مرگی» دیده می‌شد. همچنین در بخش عکس جشنواره، نام دو هنرمند از مشهد درمیان برگزیدگان به‌چشم می‌خورد. در این بخش، علی سعیدی برای مجموعه عکس «مادربزرگ» تقدیر شد و میلاد حدادیان، عنوان دوم را برای بهترین عکس جشنواره کسب کرد.

عباس غزالی:

اگر صداوسیما می‌خواهد سریال‌هایش پرمخاطب باشد، باید اجازه ساخت به فیلم‌نامه‌های سطحی را که داستان خوبی ندارند، ندهد. مسئولان و سریال‌سازان باید برای شأن مخاطب، ارزش قائل باشند.

تازه‌ترین کتاب نشر ماهور درباره موسیقی خراسان

معرفی کتاب

عکس اهالی موسیقی مقامی خراسان، نخستین تصویر کاور وب‌سایت انتشارات ماهور را به‌خود اختصاص داده است. این موضوع حاکی از آن است که تازه‌ترین کتاب این انتشارات تخصصی در حوزه موسیقی، کتابی درباره موسیقی محلی خراسان است. «موسیقی شمال خراسان (شیروان)»، هفتادویکمین کتاب از مجموعه آثار منتشرشده درباره موسیقی نواحی ایران است که انتشارات ماهور روانه بازار کتاب کرده است.

این اثر درباره «علیرضا اسلامی»، نوازنده دوتار و خواننده موسیقی شمال خراسان است و اولین کتابی است که از این هنرمند در ایران منتشر می‌شود. او که در سال‌های پیش کنسرت‌های بی‌شماری در خارج از کشور اجرا کرده است، اکنون ساکن شیروان است و به آموزش نوازندگی و نیز ساخت دوتار، که از پدر آموخته است، اشتغال دارد. اسلامی به موسیقیِ دوتار شیروان احاطه کامل دارد و در نواختِه‌هایش، رد پای استادان برجسته این منطقه دیده می‌شود؛ البته گاه روایت شخصی خود او نیز در جای جای آهنگ‌ها دیده می‌شود که می‌توان آن‌ها را در آهنگ‌هایی مثل «مستانه»، «گرایلی»، «شاه‌ختایی» و خصوصاً آهنگ «شوان» شنید. هفتادویکمین کتاب موسیقی نواحی ایران (دوتار و آواز علیرضا اسلامی) زمستان امسال با قیمت ۲۵هزارتومان در کتاب فروشی‌های کشور توزیع شده است. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را با قیمت ۲۰هزارتومان ازطریق سایت ماهور نیز خریداری کنند.